

مجله فرهنگ

طرح‌نامه تداوم انقلاب فرهنگی در مجلس شورای اسلامی

ضرورت کار فرهنگی

آسیب‌شناسی فرهنگی

بررسی راهکارهای ممکن در مسیر قانون‌گذاری فرهنگی

حجت الاسلام دکتر حامد حسینیان - داوطلب میان‌دوره‌ای یازدهمین مجلس شورای اسلامی

۳	مقدمه
۳	ضرورت‌ها
۷	اهداف
۷	آسیب شناسی فرهنگی
۸	ضعف‌های فردی
۱۱	ضعف‌های اجتماعی
۱۴	راه کارهای قانون گذاری
۱۴	۱. در حوزه دغدغه‌های عمومی مجلس
۱۴	۱-۱. دغدغه‌های فرهنگی در قانون نویسی
۱۵	۱-۲. نظارت بر عملکرد دولت
۱۵	۱-۳. مدیریت پژوهش فرهنگی
۱۶	۲. در حوزه دغدغه‌های قانون گذاری مجلس
۱۶	۲-۱. نسبت به شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲۰	۲-۲. نسبت به هیأت دولت
۲۱	۲-۳. نسبت به مراکز آموزش و پرورش ملی
۲۱	۲-۴. نسبت به وزارت ارشاد اسلامی
۲۲	۲-۵. نسبت به وزارت خانه های اقتصادی
۲۲	۲-۶. نسبت به وزارت جوانان
۲۳	۲-۶. نسبت به مدیریت رسانه
۲۴	پیوست: حامیان سند انقلاب فرهنگی

منظور از فرهنگ، نظام واره‌ای انتقال‌پذیر و حاکم بر جامعه است که تمامی ارزش‌ها، رفتار، عادات، اعتقادات، مصنوعات، نمادها، و در یک بیان، سبک زندگی جامعه، در چهارچوب آن شکل گرفته است و منظور از مهندسی فرهنگی، بررسی وضعیت موجود فرهنگی، شناسایی وضعیت مطلوب و آرمانی، آسیب‌شناسی، برنامه‌ریزی و جهت‌دهی ارتقاء فرهنگ است.

هرچند فرهنگ زاینده تاریخ یک جامعه است و نباید و نمی‌توان آن را به صورت دستوری مدیریت کرد، باید توجه داشت که در مهندسی الهی فرهنگ، غرض انتباه انسان‌ها به فطرت، نیازهای اصلی و راه‌های فطری رسیدن به آن است. توجه به فطرت، برنامه‌ریزی از بالا و یا برنامه‌نویسی از بیرون نیست؛ تربیت فطری، تربیت از درون است. فطرت نیازمند شکوفایی است و مدیریت فرهنگی می‌تواند بذره‌های نهفته در فطرت را شکوفا کند. به عکس، در این شیوه تلاش می‌شود زندگی اجتماعی از هرچه انسان را با فرهنگی بیرونی و غیر خودی مواجه می‌سازد، پیراسته شود.

ضرورت‌ها

کافی است کمی در کوچه پس کوچه‌های پیدا و پنهان شهر جاری شد. هوای شهر چندان خوب نیست؛ کمی نگران باید بود. هرچند رویش‌های فرهنگی فزاینده‌ای، شکل گرفته است، نفوذ فرهنگی نیز چشم‌گیر است. خودناباوری، این روزها خود را بیشتر نشان می‌دهد. اعتماد به خدای همه توان و معناداری زندگی، کم‌رنگ‌تر از دیروز شده است. آشفتگی ذهن‌ها، آرایش خطرناکی به خود گرفته است و آشفتگی مادران و پدران به آرامش فرزندان سرایت پذیرتر شده است. بهداشت اخلاقی و معنوی کانون خانواده در برخی کلان‌شهرها به نقطه بحران نزدیک شده است و معیارهای معناداری زندگی به گونه‌ای دست‌خوش تغییر قرار گرفته که فاصله گرفتن از فرهنگ تعالی و انقلاب، آشکار است. پیرشدن نسل نیز به عنوان یکی از بحران‌های امنیت ملی،

نشان دهنده تغییر فرهنگی در سبک زندگی است. فساد اداری نیز به گونه‌ای دیگر، جولان می‌دهد. رانت‌خواری و رانت‌خواهی، کم‌کاری و زیاده‌خواهی، نشان‌گر وضعیت نادرست تربیتی و وخامت اوضاع فرهنگ است.

فکر دیگری باید کرد! طرح دیگری باید داشت! فقدان یک مرکز استراتژیک فرهنگی، امروز بیش از دیروز احساس می‌شود. قرار بود شورای عالی انقلاب فرهنگی، نگهبان این مهم باشد. افسوس و صد حیف که با سوء تدبیر، درگیر حاشیه‌ها شده است! سند چشم‌انداز فرهنگی کشور با تمام قوت‌ها و ضعف‌هایش در سال ۱۳۹۳، تصویب شد، اما ستاد اجراییش هیچ وقت آغازی نداشت! طراحی نقشه هرچند در افق ۱۴۰۴ تدوین شده بود، برخی گام‌هایش به نظر در افق ابدی است و مقدمات رسیدن به آن جایگاه به درستی مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر برای رسیدن به آن جایگاه که نظام تعلیم در اوج باشد، شئون اسلامی ساری شود، اماکن معنوی ارتقا یابد، حمایت‌های فرهنگی برقرار شود و ده‌ها دستور دیگر نقشه، اجرایی شود، باید کار را از پرداختن و ترویج مقدمات تربیت اخلاقی شروع کرد. برای این که نماز اقامه شود، نمی‌توان به چند دستور اجرایی بسنده کرد؛ باید شخصیت انسان را طوری فعال کرد، که نماز برایش آرامش باشد. نماز دستوری، نفاق پرور خواهد بود؛ ارتقاء علمی دستوری، ارتقایی بدون پشتوانه خواهد بود. از همه این‌ها گذشته، سند، بدون بررسی سهم دستگاه‌های فرهنگی و دولتی به سرانجام رسیده و کار، ناتمام به امروز رسیده است.

امروز کار فرهنگی شاید بر تشریفات سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی نیز مقدم باشد. تولید بیش از آنکه به سیاست‌ورزی نیاز داشته باشد، فرهنگ‌سازی می‌خواهد. نمی‌توان با سواره‌نظامی که ارزش تولید و استقلال ملی را نمی‌داند، سرمایه‌های داخلی را نمی‌شناسد و فرهنگ جهادی ندارد، به جنگ مشکلات تولید رفت. به نظر می‌رسد، می‌توان با آسیب شناسی فرهنگی، با اندکی سرمایه‌گذاری تربیتی، کارها را به سرانجام مطلوب‌تر و پایدارتری رساند.

باید یادمان باشد: انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی بود و امتدادش، به تدوام انقلاب فرهنگی است. امام خمینی (ره) با وجود اینکه شهید نواب صفوی و فداییان اسلام را دوست داشت، هیچ وقت با حرکت‌های مسلحانه موافقت نکردند. اقدام مسلحانه بی‌شک انقلاب را سال‌ها زودتر به ثمر می‌نشانده، اما اگر رشد فرهنگی به بلوغ خود نمی‌رسید، اقدام نظامی صدام و ۵۰ کشور طاغوت زده، نهال انقلاب را ریشه کن می‌کرد. امروز نمی‌توان دولت و یا مجلس انقلابی داشت، اما فرهنگ انقلاب را در مردم زنده نگه نداشت. بیگانگی دولت مردان و بدنه جامعه، خود خاستگاه انقلاب‌های دیگری است.

هرچند نباید از اقدامات مدیریت اقتصادی و سیاسی غافل بود، باید توجه داشت سیاست و اقتصاد نیز مردان میدان خودشان را می‌خواهند. میدان اقتصاد و عمل، خستگی ناپذیری می‌خواهد، عزت و همت بلند می‌خواهد، ایستادن می‌خواهد و از همه مهم‌تر ایمان و پاک دستی می‌طلبد. مردم اگر از وضعیت اقتصادی موجود ناراضی هستند از کم‌کاری‌ها و اشرافیت‌ها، از فاصله طبقاتی‌ها و از بی‌همتی‌ها ناراحت هستند. پیامبر (ص) در جمع یاران خود چه در مکه و چه در آغاز مهاجرت به مدینه، سال‌های سختی را در کنار هم بودند، اما سختی‌ها را تحمل کردند؛ چون در کنار هم بودند. نتیجه آن صمیمیت و همدلی آن شد که اندکی بعد از پیامبر (ص)، همان سرزمینی که هیچ امپراطوری‌ای طمع به تصرفش نداشت، حکمران یک چهارم قلمرو مسکونی آن روزگار شد.

توجه به کار تربیتی و اخلاقی، راهی است که رسیدن به قله‌های تمدن را راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌کند. رسیدن به بسیاری از آرمان‌های دینی و انقلابی نیازمند حرکتی برنامه‌ریزی شده است. نخست لازم است، پیش داشت‌های تربیتی برای پذیرش آن آرمان‌ها و حرکت به سوی آنها فراهم شده باشد. در یک سیر برنامه‌ریزی شده، لازم نیست فضای جامعه را با دوقطبی کردن اداره کرد؛ لازم نیست برای حفظ ارزش‌های ایرانی و اسلامی، سخت‌گیری و دل‌آزاری داشت. با پرداختن به شیوه درست تربیت، می‌توان بدون حساسیت‌برانگیزی، انسان‌ها را چنان سعه صدر بخشید و

توسعه داد که خداشناس باشند و خداجو، علم‌خواه باشند و پرتلاش، همدل باشند و مهربان، و یک در بیان، در تراز نظام مقدس جمهوری اسلامی، رشد یافته باشند.

امام خمینی (ره)، آن جریان‌ساز تاریخ تمدن، می‌فرمودند: فرهنگ اگر درست شود، مملکت درست می‌شود. فرهنگ بالاترین عنصری است که در موجودیت جامعه نقش دارد. فرهنگ اگر منحرف شود، حتی اگر کشوری قدرت‌مند باشد، پوچ است. به راستی که این چنین است! انسان‌ها بی‌نهایت طلبند. اگر نتوانیم تربیت انسانی-الهی را جاری کنیم، هر قدر کشوری پیش‌رفته‌تر شود، علمش بیشتر شود، دانشگاهش بیشتر شود، ثروتش بیشتر شود، دعوا و درگیری، بیشتر می‌شود. ما تنها وقتی می‌توانیم تحولی بنیادین یابیم که خود تحولی بنیادین یافته باشیم. اگر تربیت‌مان عوض شود، اگر تربیت‌مان به وضع مطلوب نزدیک شود، سیاست و هنر و صنعت‌مان هم به وضع مطلوب، نزدیک‌تر می‌شوند.

به نظر می‌آید اکنون فصلش رسیده است کمی از این همه هیاهوهای سیاسی بکاهیم و با اقدام فرهنگی، بر سرعت اقتدار خویش بیشتر بیافزاییم. سرمایه‌گذاری فرهنگی، افزایش بهره‌بری اجتماعی است. باید به فکر تربیت نسلی در تراز تمدن ایران اسلامی باشیم. مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی بر دوش همگان است و صادق نیستند آنان که ادعای موعود خواهی دارند و برای بسط آن تمدن، پرچم انقلاب فرهنگی را بلند نمی‌کنند!

یکی از راه‌های این زمینه‌سازی، جاری شدن گفتمان اقدام فرهنگی در مسیر قانون‌گذاری است. اگر مطالبه مردم، اگر افق‌های انتخاب، کمی جا به جا شود، کارها به سرعت بیشتری سامان می‌یابد. البته کسانی می‌توانند قوانین را طوری طراحی کنند که ضدفرهنگ‌ها پرهزینه و یا غیر ممکن باشد که خود چنین دغدغه‌هایی داشته باشند. حقیقت این است که انتخاب نماینده‌ها و یا دولت‌های ناتوان در این امر، کاری را از پیش نمی‌برد. دموکراسی با نمایندگانی که به بهای هزار متر آسفالت، و یا اندکی رانت، از مطالبه حق صرف‌نظر می‌کنند، به طمع ریاست، باج می‌دهند، برای رسیدن به

سفرهای خارجیِ کمیسیون امنیت ملی، از تخصص و توانایی خود خارج می‌شوند، امضا و رأیشان متفاوت می‌شود، استیضاح و سؤال‌هایش را با وسوسه‌های شبانه، استرداد می‌کنند و...، به آن قله‌ها، راهی نخواهد یافت.

اهداف

به هر حال، در آستانه چهل سالگیِ عمرم، خودم را برای پرداخت سهمم از دیدن چهره دلربای موعود، آماده کردم. می‌دانم کار فرهنگی سخت است و مقاومت می‌خواهد، اما هستم و تلاش می‌کنم تا گفتمان فرهنگی بلند آوازه شود. هر قدر در بلندآوازه کردنش، بیشتر موفق شویم، پیروزتر خواهیم بود. انتخابات بهانه‌ای بود برای اعلام حضور. آنچه مهم است فراگیر شدن ضرورت اقدام فرهنگی و تبدیل شدن آن به گفتمان است. آن وقت دیگر خیلی مهم نیست چه کسی به بهارستان یا پاستور می‌رود. فکر فرهنگی که جاری شود، به شکوفایی و حقیقت خواهی نزدیک‌تر شده‌ایم. دوست دارم شاهد روزی باشم، که بدون دعوت‌های پرتکرار به تعالی الهی، مردمان شهرمان چنان در محبت، فروتنی، صداقت، صبر، عزت، خودباوری، بهداشت اخلاقی، عدالت طلبی، وفاداری و مسئولیت‌پذیری رشد کرده باشند، که هندسه تمدن و استقرار شریعت الهی، به اشتیاق درونی، به بالندگی رسیده باشد. دوست دارم هرچه زودتر زمانه‌ای را شاهد باشد که همه راه‌یافتگان مجلس شورا، خدمت‌گزار، پاک‌دست، پرتلاش و شفاف باشند و هرچه زودتر، دولتی را تجربه کنم که رئیس‌جمهورش، ملکه فضائل اخلاقی باشد!

آسیب‌شناسی فرهنگی

به عنوان یک طلبه‌ی تا نزدیک اجتهاد رفته، به عنوان یک فارغ‌التحصیل دکترای فلسفه دین، به عنوان یک مشاور تربیتی، به عنوان یک تمدن‌پژوه و فعال در مهندسی فرهنگ، صادقانه اعتقاد دارم: با آسیب‌شناسی فرهنگی و بررسی نقاط ضعف و قوت، می‌توان اولویت‌های کار فرهنگی را تشخیص داد و زمینه ساز شکوفایی تمدن بود.

شاید به گمان بسیاری تنظیم هندسه فرهنگ کار بسیار مشکلی باشد. اما دوست دارم این گفته را نشنیده بپندارم. هندسه فرهنگ را همان طراح هندسه آفرینش، نشان‌گذاری کرده است؛ نقشه راه را، همان دعوت کننده به منزل مقصود، بیان کرده است. قرآن و تفسیر معصومانه‌اش، اساس کار فرهنگی است. کافی است معیارها و ملاک‌ها را در ترازوی قرآن به سنجش بریم. اشکال این است که قرآن را، دستورها و تربیت‌هایش را، آن‌طور که بایسته و شایسته است، توجه نکرده‌ایم. بسیاری از دستورهای سلوکی قرآن که مقدمه شخصیت‌سازی مؤمنان است را در حاشیه قرار داده‌ایم و توقع داریم، نقشه تربیتی قرآن، موفق اجرا شود. بی‌شک رعایت گام به گام مقدمات تعالی، راه را هم برای تعالی دینی و هم برای تعالی اجتماعی، هموارتر و آسان‌تر خواهد کرد. بسیاری از دین‌گریزی‌ها و یا ناهنجاری‌های اجتماعی، ریشه در رعایت نکردن همین مقدمات دارد و افسوس که تاکنون رساله عملیه‌ای با این توجه، نوشته نشده است!

به هر حال بعد از این همه پرگویی‌ها، دوست دارم نتیجه سال‌ها پژوهش را با شما شریک باشم. آنچه در توان داشتم به کار بستم و آسیب شناسی فرهنگی معاصر را در افق تربیت دینی، چنین رصد کردم:

ضعف‌های فردی

۱. فرهنگ سلامت

سلامت عمومی جامعه، سرمایه نشاط جامعه است. فرهنگ ورزش عمومی، اصلاح فرهنگ زمان خواب و مراقبت از فرهنگ تغذیه، سرمایه اجتماعی کشور را محافظت خواهد کرد.

۲. فرهنگ نظم

تمرین و ممارست بر نظم و رعایت آداب، از جمله زمینه‌سازهای شخصیت‌ساز است. انسان‌هایی که یاد گرفته باشند هرکاری را نمی‌توان به هر شکل و در هر زمانی انجام دهند، برای تعالی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، آمادگی‌های بیشتری دارند.

۳. فرهنگ علم خواهی

به تعبیر روایات: علم، سلطنت آور است. ضعف ملموس فرهنگ علم خواهی و علم پژوهی، رسیدن به افق‌های برتر را دشوار می‌کند. سرانه مطالعه باید به سرعت افزایش یابد و افراد جامعه به تفکر و تأمل، همواره دعوت و تشویق شوند. تنها در این شرایط می‌توان عقلانیت را حاکم کرد.

۴. فرهنگ فروتنی

در قرآن، پربسامدترین عامل انحراف و سقوط تمدن‌های انسانی، تکبر اعلام شده است. تواضع و فروتنی، نهال انسان را مستعد ثمرنشینی می‌کند. به راحتی می‌توان با تأکید بر شیوه تربیت دینی و فرهنگ‌سازی در احترام به پدر و مادر، مؤمنان و نیازمندان، به جایگاه مطلوب دست یافت.

۵. فرهنگ وارستگی، بزرگ‌واری و آزادگی

دنیاخواهی و کم‌خواهی، انسان‌ها را ضعیف و زمین‌گیر می‌کند. انسان در مسیر کارهای بزرگ باید شجاع، آزاده، وارسته و بزرگ‌وار باشد. بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی محصول رعایت نکردن عزت‌مندی و کرامت نفس است. می‌توان بسیاری از هرزه‌گردی‌های نیروهای اجتماعی یک جامعه را با اصلاح عزت‌مندی تربیت جویان و پرداختن به کرامت انسانی، اصلاح کرد. کرامت، علاوه بر آنکه انسان را از فحشا بازمی‌دارد و او را در حضور اجتماعی‌اش با حیا و متانت نگاه می‌دارد، از رنجاندن مؤمنان نیز بازمی‌دارد. انسان کریم، غیبت نمی‌کند، دیگران را مسخره

نمی‌کند، تهمت نمی‌بندد و حسادت ندارد. به این ترتیب، کرامت، همدلی و هم‌توانی اجتماعی را نیز به دنبال دارد.

۶. فرهنگ خودباوری

اقتصاد داخلی و توان داخلی، بدون فرهنگ خودباوری و وطن دوستی، سربلند نمی‌شود. همه‌آنهایی که خود را در برابر دیگران کوچک می‌بینند، نمی‌توانند به تعالی معنوی و اجتماعی بیاورند.

۷. فرهنگ صبر و مقاومت

ایستادگی، صبر، مقاومت، گذشت و کنترل خشم، کلیدهای شخصیت سازی است. انسان در مسیر تعالی و خداخواهی، بدون داشتن این اخلاق به جایگاه مطلوب نمی‌رسد.

۸. فرهنگ جهادی

سخت‌کوشی و پرتلاشی، همواره مطالبه حضرات معصومین و شرط شفاعت بوده است. همه جوامع موفق نیز از پرتلاشی به موفقیت دست یافته‌اند. تربیت نسل به روحیه جهادی و ارزش‌گذاری اخلاق جهادی، گام لازمی در پیمودن راه تمدن است. اگر در این امر موفق نباشیم، به مدد مردم‌سالاری هم نمی‌توان کارها را استقرار بخشید. به عنوان نمونه، مطابق گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، با اینکه مشکلات اقتصادی همزمان با فعالیت مجلس نهم، نمود دیگری داشت، در این مجلس به طور میانگین هر سال تنها ۲ قانون تسهیل اقتصادی تصویب شد!

۹. فرهنگ تولید و خلاقیت

ارزش‌گذاری به تولید و خلاقیت، ارزش‌گذاری به کارِ مولد، از بایسته‌های یک چشم‌انداز فرهنگی است. فرهنگ مصرف، فرهنگ قناعت و دوری از اسراف و فرهنگ تولیدِ حداکثری، باید

همزمان با هم رشد داشته باشند تا از طرفی تورم و رکود اقتصادی درمان شود و از طرفی بهداشت معنوی^۱، برای اهداف بلند ایمانی فراهم شده باشد.

۱۰. فرهنگ خیرخواهی

قرآن، بهترین امت را امتی خوانده است که امر به معروف و نهی از منکر در آن جاری باشد. این آموزه، برون‌داد خیرخواهی و آرمان‌خواهی است. آشنا نبودن به این دو خصلت، راه را برای نظارت اجتماعی سخت می‌کند. بی‌شک در جامعه‌ای که روحیه مطالبه‌گری و تعالی‌خواهی شایع نباشد، رسیدن به اهداف بلند، آسان نخواهد بود.

۱۱. فرهنگ توکل

به نظر می‌رسد جامعه اسلامی ایران، در سال‌های معاصر علی‌رغم همه رویش‌های معنوی که داشته است، همراه با حرکت جهانی دنیاگرایی و علم‌زدگی، به کاهش ایمان‌گرایی و توکل نیز مبتلا شده است. اساس توکل و اعتماد به خدا، اساس فرهنگ پرستش و خداخواهی، حسن ظن به خدا و احساس حضور دائم اوست. لازم است این روحیه و این نگاه، به شدت ترویج و تقویت شود. امید به آینده نیز که از ارکان نشاط جامعه است، با تأکید بر این مهم حاصل می‌شود.

ضعف‌های اجتماعی

۱. فرهنگ صداقت

صداقت، یکی از زیرساخت‌های روابط اجتماعی مناسب است. جامعه‌ای که از صداقت بهره نداشته باشد، از حمایت اجتماعی نیز کم‌برخوردار است. صداقت حتی در حوزه شخصیت‌سازی فردی نیز بسیار تأثیرگذار است. کسی که بتواند دروغ بگوید، شخصیتی می‌یابد که می‌تواند حقایق را ببیند

^۱. یکی از بسترهای بهداشت معنوی، اشتغال است. قابلیت فرد بیکار برای جذب اشتغالات نامناسب بسیار بالاست.

اما مطابق آن رفتار نکند. شاید به همین خاطر است که دروغ کلید دیگر ناهنجارها معرفی شده است.

۲. فرهنگ عدالت خواهی

مطالبه‌گری، حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی، نشانه‌های پویایی یک جامعه است. ضعف در مطالبه‌گری، آشنا نبودن با شیوه‌های مطالبه حق و نداشتن روحیه ظلم‌ستیزی، بستر رکود اجتماعی خواهد بود. لازم است این امر در سرفصل برنامه‌های تربیتی قرار گیرد.

۳. فرهنگ وفای به عهد و امانت‌داری

امانت‌داری و وفاداری به عهدها و پیمان‌ها، از طرفی به تداوم روابط اجتماعی اطمینان و اعتماد می‌بخشد و از طرفی چنان در شخصیت‌سازی اثرگذار است که فرد را آماده می‌کند نسبت به پیمان‌های الهی و اخلاقی نیز وفادار باشد. وجوب وفای به عهدها در شریعت اسلامی، سرمشقی است برای رسیدن به این مهم.

۴. فرهنگ مسئولیت‌پذیری

فرهنگ مسئولیت‌پذیری در پیش‌برد وظایف اجتماعی، به قدری مهم است که ضروری است در اولویت امور تربیتی قرار گیرد. کودکان باید از نخستین سال‌های زندگی، مسئولیت‌پذیر تربیت شوند تا هم پیشران وظایف ملی باشند و هم در حوزه امور فردی، نسبت به کارهایی که باید به عهده داشته باشد، دغدغه‌مند تربیت شود. این دغدغه‌مندی کمک می‌کند، فرد بی‌مبالا نباشد و خود را به آداب اخلاقی مؤدب بداند. طبیعی است که این روحیه، فرد را نسبت به تعهدات دینی نیز آماده می‌کند.

۵. فرهنگ خدمت، کمک و ایثار

خدمت، ایثار و کمک به دیگران علاوه بر اینکه همسو با سرشت انسان‌ها، لذت‌های معنوی به دنبال دارد، آبادانی تمدن اسلامی را نیز رقم می‌زند. فرهنگ خدمت و ایثار، با اینکه از حمایت سلوک دینی برخوردار است، جایگاه مطلوب خود را نیافته است.

۶. فرهنگ همدلی

سیاست‌زدگی بیش از حد جامعه، همواره جوامع را به پرتگاه دوقطبی شدن نزدیک می‌کند. جامعه بدون همکاری همه جریان‌های سازنده، شکوفایی سازندگی نخواهد داشت. لازم است در این فضا، روحیه همدلی و تعاون جایگزین شود. جاری شدن محبت، قرب به خدا را نیز سبب خواهد شد. خداوند، رحمان و رحیم است و برای قرب به او باید به اخلاق الهی متخلق شد. بسیاری از تکالیف دینی نیز پس از توسعه محبت، به کمالش اقامه می‌شوند و از همین رو بسیاری از دستورات دینی برای توسعه محبت، تدوین شده‌اند.

۷. فرهنگ طهارت اجتماعی

بحران‌های مسیر رشد، می‌تواند فرسایش دهنده توان جامعه باشد. شعله‌ور شدن هیجان‌های دوران بلوغ، یکی از این بحران‌هاست. البته این هیجان زمینه‌ساز پیوندی محکم، ساخته شدن پناهگاهی امن برای خانواده و همچنین موجب افزایش لطافت شخصیت مؤمنانه خواهد بود و از این رو ضروری است صیانت و جهت‌دهی شود. تأخیر در ازدواج، سخت شدن و پرهزینه شدن آن، صدمات جبران ناپذیری به فرد و جامعه وارد می‌کند. در قرآن نیز پس از امر به صیانت حجاب و عفاف، اولین دستور برای حفظ طهارت از غرایز حیوانی، دستور به ازدواج است. لازم است با مقدمه سازی قانونی و فرهنگ سازی عمومی، موانع ازدواج برداشته شوند.

راه کارهای قانون گذاری^۲

۱. در حوزه دغدغه های عمومی مجلس

هرچند رسیدن به اهداف پیش تعیین شده، بدون برنامه ریزی ای دقیق و بدون سیاست های اجرایی و راه کارهای قانون نویسی، ممکن نیست، توجه به اصل دغدغه ها نیز می تواند خود راه گشا باشد. اولین قدم در اجرایی شدن راهبردهای ملی، دغدغه مند سازی مجامع قانون نگاری و اجرایی است. جامعه نخبگانی هرگاه به درستی متوجه این دغدغه ها و ضرورت ها باشند، با هم افزایش تجربیات و اندیشه ها می توانند به راهکارهای مناسبی دست یابند. این دغدغه ها را می توان در سه ساحت دنبال کرد:

۱-۱. دغدغه های فرهنگی در قانون نویسی

نمایندگان محترم مجلس شورای اسلام با توجه به ضرورت های کار فرهنگی و توجه دهی به اولویت های تمدن سازی، همواره لازم است این اهداف را در چشم انداز داشته باشند:

۱. طرح نویسی برای رسیدن به اهداف کلان فرهنگی- تربیتی و حل چالش ها و ضعف های فرهنگی؛

۲. مراقبت در طراحی قوانین به گونه ای که ضد ارزش ها و ضد فرهنگ ها ناممکن و یا پرهزینه باشند؛

۳. فعال شدن کمیسیون فرهنگی در بررسی پیوست فرهنگی تمام مصوبات و محاسبه پیامدهای تربیتی- فرهنگی آن.

^۲. توجه به این نکته ضروری است در این دیباچه تنها تلاش شده است، گزارشی از سرفصل اقدامات فرهنگی ممکن مناسب با تربیت شخصیت محور، ارائه شود. بی شک تبدیل شدن هر کدام از این سرفصل ها به قانون های منقح، نیاز به نشست ها و شورهای نخبگانی دارد.

۱-۲. نظارت بر عملکرد دولت

۱. فعال شدن مجلس و کمیسیون فرهنگی، بر نظارت فرهنگی بر عملکرد دولت؛
۲. فعال شدن نمایندگان، به خصوص نمایندگان تهران در پی گیری مطالبات مردمی، جمع بندی ارزیابی های مردمی از عملکرد بخش های مختلف دولتی و پی گیری شکایات آنان از عملکرد وزارت خانه ها؛
۳. سخت گیری و توجه لازم نمایندگانه در برقراری عدالت اجتماعی و تلاش برای برخورد با اخلال گران امنیت اقتصادی و آرامش روانی جامعه. به عنوان نمونه مجلس نباید حتی در برابر احتمال سوء استفاده دولت از سرمایه های مردمی در بورس، و یا آشفتگی ذهنی مردم ناشی از بی تدبیری های دولت ها، سکوت اتخاذ کند.

۱-۳. مدیریت پژوهش فرهنگی

۱. لازم است مجلس با کمک مرکز پژوهش ها، مسائل فرهنگی روز را رصد کند و برای حل بحران، پیشنهادهای احتمالی را بررسی کند.
۲. کشورهای مختلف در تثبیت و اصلاح فرهنگی تجربیات گران باری در تنظیم قوانین فرهنگی دارند. لازم است مجلس به همکاری مرکز پژوهش ها، این دستاوردها را در قالب نشست های دوستی بین المجالس و یا کمک گرفتن از سفارت خانه های کشورهای پیشرو در امور فرهنگی و یا مراکز دیپلماتیک ایران در کشورهای مقصد، بررسی نماید.

۳. از اولویت های پژوهشی، پژوهش در مسائل زیر است که باید به جدیت پیگیری شوند:

- در تفریحات سالم، نقش آن در رشد اجتماعی و شیوه های ترویج آن؛
- نقش، قلمرو و مرزهای هنر تعالی دهنده و شیوه های ترویج آن؛

- بررسی سبک مطلوب زندگی شهری و شهرسازی ایرانی- اسلامی، قلمرو تأثیرگذاری و شیوه‌های اصلاح وضع موجود؛

- سبک زندگی ایرانی-اسلامی و مدیریت واردات بر اساس آن.

۲. در حوزه دغدغه‌های قانون‌گذاری مجلس

۲-۱. نسبت به شورای عالی انقلاب فرهنگی

۱. نخبگان ملت نیز می‌توانند در تعیین اولویت‌ها فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد ارائه نمایند.

۲. نمایندگان لازم است بر عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضعف‌ها و موانع اجرایی طرح‌های فرهنگی آن شورا، نظارت و مطالبه داشته باشند.

۳. لازم است شورای عالی انقلاب فرهنگی به یک مرکز استراتژیک فرهنگی ارتقا یابد. این نهاد باید با همکاری مجلس، سهم هر نهاد فرهنگی را در تدوین و اجرای نقشه مدیریت فرهنگی کشور تعیین و بر حسن انجام آن نظارت داشته باشد.

۴. مجلس به همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی طرح جامعی را پیشنهاد دهد که مسیر اجرایی رسیدن به اهداف تربیتی در آن مشخص شود. پیشنهاد می‌شود در این نقشه، این شیوه‌ها مد نظر باشند:

أ. ترویج فقه تربیت محور در مقابل فقه تکلیف محور؛ (خروجی رساله‌های فقهی بیان تکلیف‌ها

است، نه بیان راه کار تربیتی به سمت تعهد به مناسک دینی)

ب. احیای سنت‌های اسلامی: همچون: توجه به آداب مناسک دینی، اعتکاف، دعا و توجه به سرمشق‌های رفتاری آن، و اهتمام به ترویج دستورهای تربیتی همچون: افشاء سلام، صله رحم، احترام به پدر و مادر، احترام به مؤمنان، اخوت، اکرام ایتم و نیازمندان، بخشش و

گذشت، شکرگزاری، رعایت آداب سفره، صداقت، خوش رفتاری و فروتنی، توصیه‌های بهداشتی و آراستگی اسلامی، آداب معاشرت و انس با صالحین، خیرخواهی، امانت‌داری و وفای به عهد، صبر و استقامت، همدلی و تلاش برای ازدواج درآوردن مجردها، بی‌اعتنایی به دنیا، توجه به آداب خرید و فروش، احیای سنت وقف^۳ و قرض الحسنه (البته با محاسبه تورم).

ج. ترویج سیره اهل بیت و صالحان؛

د. سامان‌دهی مناسبت‌های مذهبی؛ به عنوان نمونه: فرصت ضیافت رمضان برای خودسازی و بازگشت به معنویت، فرصتی بی‌نظیر است. بسیاری از فرهنگ‌های اسلامی، چنان در استقبال از رمضان، فرهنگ‌سازی کرده‌اند، که شمیم روح بخش این ماه در هر کوی و برزنی، طراوت بخش جان‌هایشان می‌شود. غفلت از این فرصت‌ها، فرصت سوزی است.

ه. تدوین شیوه‌های اجرایی آنچه در بندهای ا، ب، ج و د، آمده است.

به عنوان پیشنهاد می‌توان به این موارد توجه داشت:

- استفاده از قالب کتاب و رمان؛
- فیلم بلند و کوتاه؛
- مستند بلند و کوتاه (مستندهای ۵ دقیقه‌ای با قابلیت پخش میان‌برنامه‌ای)؛
- فضای تبلیغات شهری و تلویزیونی؛
- بهره‌بردن از محصولات فرهنگی مثل بازی‌های رایانه‌ای، کلیپ‌های صوتی و تصویری، اسباب بازی‌های فکری و ...؛
- توسعه و حمایت قانونی از جشنواره هنری و پژوهشی؛

^۳. زمانی در کشورهای اسلامی، بیشتر بیمارستان‌ها، آب انبارها و مدارس وقفی بودند. وقف یکی از سنت‌های اسلامی است که محبت و خدمت رسانی را زنده نگاه می‌دارد و احیا، جهت دهی و کار فرهنگی در ترویج آن، می‌تواند توان مضاعفی برای تمدن اسلامی ایجاد کند.

- توسعه و حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی در مجامع نخبگانی و عمومی؛
 - توسعه پژوهشگاه‌های علوم انسانی؛
 - بهره‌بردن از سال‌های آموزش عمومی و تخصصی در انتقال معارف؛
 - تقویت نظام پاسخ‌گویی به شبهات؛
 - تربیت نیروهای متخلق برای نظام آموزش.
- و. تشکیل شورای استراتژیک فرهنگی به منظور رصد، برنامه‌ریزی و تقسیم سهم کار. پیشنهاد می‌شود ترکیب این شورا به این دستور باشد:
- نمایندگان شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
 - نمایندگان کمیسیون فرهنگی مجلس؛
 - نمایندگان وزارت خانه‌ها (بالاخص وزارت خانه‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی، ورزش و جوانان، ارشاد، اطلاعات و کشور)؛
- | | |
|--|------------------------------|
| - صدا و سیما؛ | - بسیج؛ |
| - سازمان تبلیغات اسلامی؛ | - کانون فکری و پرورشی؛ |
| - شهرداری؛ | - معاونت‌های پیشگیری جرم؛ |
| - سازمان امور مساجد؛ | - معاونت نظام وظیفه؛ |
| - نماینده صنفی باشگاه‌ها و ورزشگاه‌ها؛ | - معاونت امور انسانی ادارات؛ |
| - ستاد ملی زن و خانواده؛ | |
| - ستاد ائمه جمعه؛ | |
| - سازمان اوقاف؛ | |
| - نیروی انتظامی؛ | |
| - شورای هماهنگی فضای مجازی؛ | |
| - سازمان امنیت و حراست؛ | |

ز. تهیه سرفصل‌های آموزشی در ترسیم معنای زندگی الهی برای مقاطع مختلف دوره‌های آموزشی. تبیین سرفصل‌های ذیل در تصویرسازی معنای زندگی، ضروری به نظر می‌رسند:

۱. خودشناسی: انسان ذاتاً خود را دوست دارد و اگر خودش را درست بشناسد، درست حرکت می‌کند. انسان تنها وقتی که خودش را نشناسد می‌تواند عاشق امور پست‌تر از خود واقعی‌اش شود. لازم است انسان، کرامت خود، استعدادها و قله‌هایی را که می‌تواند به آن دست یابد بشناسد. انسان اگر خودش را شناخت، به سبک زندگی حیوانی راضی نمی‌شود. محال است کسی خودش را بشناسد و کمتر از امام زمان عج را لایق خودش بداند و حکومتی را غیر از حکومت امام زمان (عج) سزاوار خود بداند. اگر خود شناس باشیم می‌فهمیم که پیش چه متخصصی باید برویم. برخی گیاه هستند و پیش گیاه شناس باید بروند. برخی انسان هستند و باید پیش انسان کامل و نماینده رسمی انسان آفرین بروند.

۲. خداشناسی: اگر حکمت، قدرت، رحمت و مهربانی خدا به درستی ترسیم شود، خداوند دلبستنی‌ترین و اعتمادپذیرترین خواهد بود. برای رسیدن به این مهم لازم است از الگوی قرآن در بیان هنرنمایی‌های خداوند در آفرینش و کارگردانی‌اش در جریان تاریخ بهره برد.

۳. دین شناسی: تبیین درست وجه نیاز به شریعت، توجه به فقه تربیت محور و تبیین نقشه کامل شریعت برای تربیت همه جانبه انسان، آغاز تحول به سمت دین داری است. امروز راه نجات از بن بست لیبرال دموکراسی، پناهنده شدن به آغوش مردم سالاری الهی^۴ است.

۴. توجه به لذت‌های زندگی دینی و مدیریت رنج‌ها؛

۵. تبیین جایگاه نظام ولایی در حمایت و همراهی تشریعی و تکوینی در مسیر رشد انسان‌ها؛

۶. ترسیم افق انتظار و آرمان خواهی و معنای درست مهدویت؛

۷. توجه به تصویرسازی از معاد به عنوان تجلی رحمت بی‌کران خدا و توجه به نقش شریعت در رشد انسان‌ها برای بهره‌مندی بیشتر در زندگی معادی.

^۴ . مردم سالاری الهی مرحله‌ای بعد از مردم سالاری دینی است. در یک نظام با مردم سالاری دینی، مردم در چهارچوب دین می‌توانند در اداره حکومت اسلامی مشارکت داشته باشند. در یک نظام با مردم سالاری الهی، مردم با مشارکت در نظم اجتماعی، سلوک الهی می‌یابند و خود جاری کنندگان عدالت، رحمت و ربوبیت الهی می‌شوند.

۱. بازخواست طرح فرهنگی رئیس جمهور در آغاز هر دوره ریاست جمهوری و نظارت بر حسن انجام آن در هر سال؛
۲. توجه به مهندسی بودجه فرهنگی کشور و افزایش سرمایه گذاری فرهنگی برای بالا رفتن بهره‌وری اجتماعی؛
۳. اصلاح نظام مالیاتی کشور متناسب با حمایت‌های قانونی در تخفیف مالیاتی و هزینه مالیات نسبت به امور فرهنگی؛
۴. توجه به مسئولیت اجتماعی هر وزارت خانه و تقدیم پیوست فرهنگی از جانب وزرا به منظور بررسی در رأی اعتماد؛
۵. ارائه طرح و یا لایحه شایستگی‌های اخلاقی و کرامت‌های انسانی اعضای هیأت دولت، معاونان و کارمندان نظام اداری کشور در انتخاب و استمرار.^۵
۶. آموزش اخلاقی ضمن خدمت کارکنان دولت؛
۷. تدوین قانون اجرای مجازات‌های سنگین‌تر در برخورد با تخلفات مسئولین؛
۸. تدوین قانون برخورد با ضدهنجارها در مجموعه مدیریت دولتی، بالاخص برخورد با اشرافیت.
۹. نظارت دقیق، رسیدگی و پی‌گیری به شکایت ارباب رجوع و تشکیل نهادهای اداری در هر اداره و سازمان به این منظور.

^۵. پیشنهاد می‌شود به این نکات توجه ویژه شود:

- مدرک مؤثر متصدیان پست‌های کلیدی، از مراکز آموزشی کشوری باشد؛
- برخورداری از صداقت، ادب، فروتنی، سعه صدر؛
- داشتن برخورد مناسب با ارباب رجوع؛
- ساده‌زیستی در ایام تصدی مسئولیت دولتی؛
- پرتلاشی و داشتن روحیه جهادی مدیران.

۲-۳. نسبت به مراکز آموزش و پرورش ملی

۱. تدوین سند مهارت‌ها، سرفصل‌ها آموزشی و تربیت اخلاقی مهدها و پیش دبستانی‌ها؛
۲. اصلاح نظام آموزش به سمت:
 - توجه به ترویج فرهنگ ملی- اسلامی؛
 - توجه به معنای زندگی دینی؛
 - توجه به پژوهش و تأمل؛
 - آموزش پیوسته اخلاق؛
 - بهره‌بردن از اردوهای جهادی برای دستیابی به اهداف تجارب علمی، تجارب مدیریتی و دستاوردهای معنوی؛
 - برنامه‌ریزی برای افزایش بهره‌بری از اردوهای معنوی راهیان نور؛
 - توجه به فرهنگ کتاب خوانی: حجم آیات قرآن نشان می‌دهد، خداوند بیش از آنکه تربیت را صرفاً از مسیر آموزش احکام رقم زند، از بیان شرح زندگی صالحان بهره برده است. با توجه به این مقدمه لازم است توجه بیشتری به فرهنگ کتاب‌خوانی عمومی، افزایش ضریب مطالعه رمان‌های مذهبی و خاطرات اسوه‌ها در دستور کار قرار گیرد؛
۳. توجه جدی به تربیت مدرس دانشگاهی، معلم و مربی متخلق و فرهنگی؛
۴. ارتقاء و حمایت از علوم انسانی با زیر ساخت اسلامی در دانشگاه‌ها؛

۲-۴. نسبت به وزارت ارشاد اسلامی

۱. توجه و حمایت، برنامه‌ریزی و جهت‌دهی در بهره‌بری اجتماعی از مناسبت‌های معنوی، همچون: اعتکاف، ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر، جشن‌های شعبان، عید فطر، عید قربان، عید جمعه، دهه فجر، موسم حج، عزاداری محرم و ...؛
۲. توجه، حمایت و فرهنگ‌سازی نسبت به بهره‌بری از اماکن معنوی؛ (با توجه به این نکته که مواقف کریمه، در کرامت‌یابی انسان‌ها نقش مؤثری دارند).

۳. طرح‌نویسی برای ارتقا جایگاه مساجد و سامان‌دهی جامع هیأت مذهبی؛

۴. اهتمام فراگیر بر برگزاری اردوهای راهیان نور؛

۵. تسهیل زیارت عتبات عالیات: تجربه‌ها در کنار آموزه‌ها نشان می‌دهد آنچه تأثیر عجیبی در الهی شدن

مسیر زندگی دارد، ولایت اهل بیت علیهم السلام است. ساده‌ترین راه برای این ارتباط، تسهیل زیارت

عتبات عالیات است. لازم است این امر با تسهیلات گذرنامه و ویزای زیارت، ساخت و یا بهره‌برداری

از اسکان‌های عمومی و کم‌هزینه در عراق، پرداخت وام، هدایت وقف فرهنگی برای زیارت همراه با

ارتقاء کار تربیتی در ایام زیارت، شتاب دیگری گیرد.

۶. رصد، نقد و پژوهش در حوزه عرفان‌های کاذب و معرفی عرفان اصیل.

۷. حمایت از مؤسسه‌های مردم نهاد در زمینه فرهنگ پژوهی و تمدن پژوهی.

۲-۵. نسبت به وزارت خانه های اقتصادی

۱. تشکیل اداره پی‌گیری شکایت‌ها از مافیای اقتصادی در وزارت‌خانه‌هایی که به امور اقتصادی و تولیدی

مربوط هستند.

۲. حمایت و نظارت همه‌جانبه همه وزارت‌خانه‌ها از تولیدات ملی در اقلام مصرفی و صنعتی مورد نیاز

خود و سازمان‌های تحت امر.

۳. تلاش برای رشد نقدینگی و هدایت تسهیلات به تولید (نظارت بر سیستم بانکی)

۴. مبارزه با بنگاه داری

۵. شفاف سازی نظام اقتصادی

۲-۶. نسبت به وزارت جوانان

۱. تدوین سند منشورات اخلاقی باشگاه‌ها؛

۲. قانون نویسی جامع در تسهیل ازدواج؛

۳. فرهنگ سازی نسبت به کرامت تأهل؛

۴. آموزش مهارت‌های ازدواج؛

۵. حمایت و جهت دهی خیرین ازدواج؛
۶. راه اندازی مراکز رایگان و یا کم هزینه مشاوران خانواده؛
۷. برنامه ریزی برای فعال کردن خویشاوندان در حمایت از نهاد خانواده؛
۸. قانون نویسی برخورد با فرهنگ تجمل در ازدواج و زندگی؛
۹. نقد مستمر جریان های انحرافی فمینیستی؛
۱۰. اهتمام ویژه به مسکن تازه ازدواج کرده ها؛
۱۱. تدوین قوانین حمایت تأهل؛
۱۲. تدوین قوانین حمایت از مادران خانه دار؛
۱۳. تدوین قوانین حمایت از فرزندآوری.

۲-۶. نسبت به مدیریت رسانه

۱. تکریم چهره های فرهنگی؛
۲. پرهیز از اسوه کردن چهره های فقیر فرهنگی؛
۳. حمایت از فعالیت های رسانه ای فرهنگی؛
۴. مدیریت طهارت ذهن با راه اندازی شبکه ملی اطلاعات؛
۵. رصد نفوذ فرهنگی و تربیتی در فیلم ها و رمان ها و جشنواره ها؛
۶. رصد ۱۸ خرده فرهنگی که در آسیب شناسی فرهنگی به آن اشاره شد. لازم است منشوری تدوین شود تا در تدوین همه سریال ها، فیلم های صدا و سیما، سینمایی و شبکه خانگی، آن ۱۸ هنجار فرهنگی مراقبت شود؛
۷. تدوین سند ملی در نظارت بر تبلیغات رسانه ای: متأسفانه در بسیاری از رسانه ها، تبلیغات مادی گرایانه، مصرف گرایانه، زندگی اشرافی و خلاصه کردن زندگی انسانی در امور حیوانی به چشم می خورد. این آگهی های بازرگانی علاوه بر اینکه موجب ایجاد طبقات اجتماعی و القای نارضایتی از زندگی در قشر کم درآمد می شود، ترویج فرهنگ مادی گرایانه را نیز به دنبال دارد.

۸. مراقبت از مضموم داستانی در کتاب‌ها و فیلم‌ها: گاه سریال‌های تلویزیونی اذهان مخاطبان را بیش از حد درگیر مصیبت‌های پیچیده، امور غیر واقعی و یا حاشیه‌های دور از متن زندگی می‌کند و این‌گونه بهداشت عمومی اذهان را نسبت به رابطه انسان با خدا و معنای زندگی، آشفته می‌سازند.

۹. مراقبت از القای ناامیدی به آینده در تمام سطوح و بسترها.

پیوست: حامیان سند انقلاب فرهنگی